

انقلاب پرشکوه

کارگران و زحمتکشان ایران

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

را به گورستان تاریخ خواهد سپرد!

# پیکارگر<sup>۴</sup>

نشریه  
اتحادیه دانشجویان پیکارگر  
طرفدار آزادی طبقه کارگر

سال دوم - پنجم مارس ۱۹۸۴ - شماره ۴

مبارزه در راه سرنگونی رژیم سرمایه داری  
جمهوری اسلامی انتخاب آزاد خلق دلاور ایران  
است  
در صفحه ۲

خرده بورژوازی و مجاهدین

از دو نکرش؛

انقلاب دمکراتیک

انقلاب سوسیالیستی  
در صفحه ۱۱

یاد رفیق شهید پیکارگر

بیا  
بیا  
بیا

کمونیست عزت طبانیان  
(سیمین) گرامی باد

در صفحه ۶



نقدی بر نظرات اتحاد مبارزان کمونیست  
'سهند'  
در صفحه ۵

(این جریان با کومه اعلان حزب کرده اند)

★  
حماسه پیکارگر شهید  
رفیق کریم  
در سپیده دم اعدام  
در صفحه ۹

کشورهای امریکای  
لاتین در جستجوی  
کمک برای پرداخت  
۳۲۰ میلیارد دلاری  
در صفحه ۷

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

مبارزه در ۰۰۰

مبارزه در راه سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلام  
می انتخاب آزاد خلق دلا و ابریان است.

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی در دست تدارک

انتخابات فرمایشی دوره دوم مجلس ارتجاعی شورای اسلام

می خود می باشد. رژیم آبرو باخته می شود با بکارگرفتن

دستگاه های تبلیغاتی و با تکیه بر چماق و زور انتخابات

را "انتخابات آزاد" قلمداد کرده و مردم را به پای صندوق

و قهای رأی بکشاند و از هر شیوه و متد فاشیستی استفاد

می نماید از یکطرف به رژیم ضد بشری و منفر خود سیاق

"قانونی" بخشیده و از سوی دیگر تمام خیانتها و

وطن فروشی های سود را به حساب باصطلاح "نمایندگان

مجلس" بنویسد تا فقیه آدم خوار را از تیروستقیم توده ها

در امان نگه دارد. وگرنه در اندیشه ولایت فقیه همه چیز

از قبل تعیین شده و هیچ چیزی نمیتواند مغایر ایدئولوژی

پوسیده و متحجر اسلامی او باشد و او با تمام وقاحت این

مسئله را بیان میکند: "لازم است طرحهای که از مجلس

میگذرد مخالف احکام اسلام نباشد." (آشنائی با مجلس

شورای اسلامی صفحه ۲۱۴) رژیم ولایت فقیه خمینی بنا

به هیئت ارتجاعی خود در مدت ۵ سال گذشته نشان داد

که هیچگونه ارزشی برای توده های مردم و رأی آنها قائل

نیست. داردسته ضد انقلابی از همان اوایل تدوین

انوار ارتجاعی اسلامی خمد نشان دادند که مجلس هیچ

نقشی نداشته و این فقهای مرتجع هستند که تصمیم نهایی

را میگیرند. "مجلس شورای ملی بدون وجود شورای

نگهبان اعتبار قانونی ندارد" (اصل ۹۳ قانون اساسی)

"داره مصوبات مجلس در صورتی قانونی میشوند که

شورای نگهبان عدم مغایرت آنها را با موازین اسلام و

قانون اساسی را تشخیص بدهد (اصل ۹۴ قانون اساسی)

سر) و در اصل ۹۸ قانون اساسی میخوانیم "تفسیر

قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است" و در اصل

۹۹ "شورای نگهبان صاحب حق نظارت بر انتخابات

مجلس شورای ملی است."

خیمه شب بازی "انتخابات آزاد" که رژیم خائن براه

انداخته چیزی جدیدی نبوده و همه رژیمهای دیکتاتور

ی و فاشیستی برای فریب توده ها از این نمایشهای

مسخره استفاده کرده اند و توده های مردم این خیمه

شب بازی ها را بارها و بارها دیده اند فقط خائنین

چون حزب توده و لیبرالهای ضد انقلابی چون بازرگان و

سایر جریانات ضد انقلابی هستند که به قانون اساسی

ارتجاعی و به مجلس و انتخابات چهره "مردمی" بدهند

رژیم خائن شاه بارها در عمر ننگین خود به این خیمه شب

بازی ها دست زد و حتی سعی نمود در مجلس شمش ساخته

مخالف و موافق مصنوعی، اقلیت و اکثریت ظاهری بوجود

آورد او نماینده کارگران و دهقانان اختراع کرد و آنها

را بنام دهقان و کارگر به مجلس فرستاد، "اورستاکسیر"

حزب واحد بوجود آورد ولی بطوریکه دیدیم هیچ کدام

از این نمایشها نتوانستند از سرنگونی محتوم رژیمش جلو

گیری کنند و همین توده های که مورد بدترین تحقیرها قرار

گرفته بودند و ابتدائی ترین حقوقشان تجاوز شده بود

وقتی فرصت بدست آوردند مجسمه منحوسش را در خیابا

نهار گرداندند و به خیمه شب بازی هایش خندیدند و

طبیعتا و صد بار بدتر از آن با رژیم خمینی، که به باورهای

آنها خیانت کرده و تمام هستی شان را بر باد داده،

ابتدائی ترین حقوقشان را پایمال نموده خواهند کرد.

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی خود به این امر آگاه

است و میداند که خیلی زود تر از رژیم شاه سرنگون خواهد

شد و برای همین منظر هر چه بیشتر دست کثیفش را به

مرگ بر امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی

ارشيو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

خون هزاران، فرزندان انقلابی خلق آلوده میکند و چتر اختناق و خفقان را در همه جا میکشتراند. او نیک میدانده که در بین مردم منفور گردیده و دیگر توده ها ته هم شان <sup>رنگته</sup> و در عمل مبینند که خمینی بجای نان، مسکن، بهداشت، آزادی، استقلال، عدالت، کولولو زندان، اعدام، شکنجه، جنگ، آوارگی، در یککلام فقر و سیاه روزی هدیه کرده است. او نیک میداند که توده ها دریافتند که او نه مخالف سرمایه داری و امپریالیسم بلکه خود نماینده جنایتکارترین و ارتجاعی ترین بخش سرمایه داری ایران است، و شعارهای ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی جز حرفهای تو خالی چیزی نیست و تنها راه نجات، ترقی پیشرفتگر سرنگونی رژیم منفور سرمایه داری جمهوری اسلامی می بیند.

آزادی انتخابات که رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی از آن دم میزند در واقع آزادی سیاه ترین مهره های ولایت فقیه و دژ خیمان خمینی در پیاده کردن نیت پلید خمینی میباشد. بکار بردن این کلمات "انتخابات آزاد" و غیره از طرف رژیمهای فاشیستی جز فریب توده ها چیز <sup>دیگری</sup> نیست. در مرام شاه و خمینی آزاد اندیشی و انتخاب آزادانه بزرگترین جرم بشمار میروند.

هویدا خائن میگفت "وظیفه ما بسیج همه نیروها برای شرکت در انتخابات است" (هویدا ۱۸ خرداد) رفسنجانی خائن میگوید "هر کس که به سر نوشت کشور و انقلاب علاقمند است، باید در مورد انتخابات بهیچ وجه بی تفاوت نباشد." او هم شرکت مردم در انتخابات را وظیفه همه میداند. (کیهان ۹/۱۲) صانعی دادستان کل کشور "هیچ عذر و بهانه ای برای عدم شرکت در انتخابات مورد قبول نیست." (کیهان ۹/۱) و خامنه ای بر لزوم تلاشنامه جمعه سراسر کشور

در بسیج اقتدار مختلف برای شرکت در انتخابات گسترده تاکید میکند." (کیهان ۸/۳)

در زمان شاه خائن مهره های وابسته از طرف ساواک مشخص میکردند و سرسپردگی شان به استبداد متمدن رضا شاهی به ثبوت رسیده بود و در آخر هم میبایستی توسط معتمدین کاشانی کمیته (آموزگار - هویدا) بر سر و کنترل میشدند تا میادای سهل انگاری رخ ندهد. و اگر هم کسی با وجود هفت خوان ساواک کا ندید میشد <sup>و سول انگاری رخ نداد</sup> آسمش توسط شورای مرکزی خط زده میشد. یک عده از اسامی را خط زدند به دلایلی که داشتند و یک عده <sup>مرد</sup> فی برای هر کرسی پارلمانی (بین ۲ و ۳) شدند که دو اینکه هر کدام از این ها عضو حزب رستاخیز هستند.

"(کیهان ۱۷ خرداد - شاه) و الاخره سا زمان <sup>پارسی</sup> شاه هوشیار بر انتخابات نظارت مینمود." هویدا اعلام کرد که بفرمان شاهنشاه سا زمان با زرسی شاهنشاهی بر جریان انتخابات نظارت خواهد کرد." (کیهان ۱۷ خرداد)

در زمان رژیم خمینی هم مهره های وابسته از طرف ساواک مشخص میکردند و سرسپردگی شان هم به استبداد خمینی به ثبوت رسیده است و میبایستی توسط فقها کنترل گردیده تا اشتباهی رخ ندهد و اگر روزی اشتباهی کسی وارد مجلس شد بقول خمینی باید مجلس آنها را قبول نکند. اگر عده ای جمع شدند و افراد نالایق را انتخاب کردند. اگر مردم هم متوجه نشدند مجلس آنها را قبول نکند." (پیام آزاد، صفحه ۴)

دستاویز ضد انقلابی خمینی و "انتخابات آزاد" آن حربه های پوسیدگان زرادخانه های امپریالیسم و سرمایه دار، جهانی هستند که از بنگاههای ور شکسته فاشیسم بعاریت گرفته شده اند. تکاپوی مذبحخانه خمینی و رژیم منفور <sup>بقی در همین</sup>

آری در چنین زمانی که دیگر این دستگاه پویشالی امکان هر گونه حرکت و گام زنی بسوی تکامل را از جامعه سلب نموده است. جریانات ضد انقلابی مثل حزب توده خائفی که تا دیروز هزاران کاغذ پاره علیه جنبش خلق و در دفاع از رژیم خمینی میپرداخته و حتی برای درخیمان آن جاسوسی مینمودند و امروز رنگ عوض کرده و برای پیاده کردن باصطلاح "قانون اساسی" با رژیم جنایتکار خمینی چانه میزنند. آری فقط کمیته مرکزی خائن توده و سایر جریانات ضد انقلابی از قاشقان هستند که میخواهند دوباره از فرصت استفاده کرده و مردم را به صلح بفرزادگی کشانند و حاکمیت بورژوازی را در نوع دیگر بتوده ها و زحمتکش تحویل نمایند.

خلقهای دلاور ایران ایندفعه دیگر به این جریانات ضد انقلابی اعتماد نکرده و خود با تکیه به نیروی خود بساط رژیم خمینی را برچیده و ماشین دولتی بورژوازی را خرد کرده و سلطه سرمایه را نابود نموده و بالاخره پرچم سوسیالیسم این پرچم رهائی کارگران و زحمتکشان را با هتزاز در خواهند آورد. و آنوقت بر روی صرانه های کاخهای ی ظلم و ستم و سرمایه مجلس خود و نمایندگان واقعی خود را در برتو حاکمیت کارگران بوجود خواهند آورد.



برای گسترش پایه های اجتماعی ولایت فقیه بر کوششوی رقاب سیاست جنایت کارانه اثر بیخاطر تحکیم استقلال استبداد موحش خمینی و انکشاف ابعاد غارت سرمایه جبا نی، میرشوی برای سردوب تمام گرده های بروز مقاومت و مبارزه بی گمان به ضد خبیثه انفراد باز هم بیشتر رژیم خمینی به گسترش دامنه مقاومت و مبارزه خواهد انجامید. ناخ و برگ درخت ولایت فقیه را هر چه با برگهای زهین و شعارهای مردم فریب بیاریند و هر چه قدر آنها با سلاجهای آتشین و ابزارهای قهر ضد انقلابی مجهز نمایند نمیتوانند ریشه پوسیده اشرا شفا بخشند و آنها در دل زمین آگاهی و اراده خلق ما به پهراند. خلق قهرمان ما بر اساس با قنیت زندگی و تجربه روزانه خود در برابر تمام این مضحکه های خمینی مشت بر آورده و ببهای خون عزیزترین فرزندان خمیشکنه انقلابی خود را بر پیکر نفرت آهر شب استبداد باریده است. بایداری کوهانند دلاوران انقلابی تا پای مرگ در زندانهای درخیم مرگ سرخ هزاران فرزند برومند خلق نمونه های ارزشمند نبرد حماسه آفرین - لاق دلاور ما در پیکار علیه ستم نامردمی خمینی است. در مبارزه علیه رژیم خمینی در کینه روزی به مبانی ضد مردمی دستاویز رژیم جمهوری اسلامی تمامی خلق ایران تنی یکبارچه از مقاومت و زندگی رزمندگی است. چرا که رژیم - اش - مینی بنا با هیت سرمایه دارانه و عقب مانده و پوسیده خود هر گونه راهی را برای خلقهای قهرمان ایران بسته و با رژیم منفور خمینی و یا قبول ولایت فقیه او با تمام مظاهر سد انسانی آن یا اعدام، شکنجه و زندان، و بد آنجهت از هر لحاظ سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به متابخر کردن ماشین دولتی سرمایه داری در دستر کار جنبش قرار میگیرد.

زندگی - سواد سوسالیسم

آشنایی با سازمان پیکارگر در راه آزادی، تقویت کارگر

نقدی بر نظرات... .

توضیح: در دفتر دوم "انتشارات پیکارگر" (در باره

مرحله انقلاب ایران - از زندگان سوسیالیست) هدفمان

را از انتشار چنین مقالاتی ("دامن زدن به مبارزه ایدئولوژیک

حول مسائل اساسی و مبهم انقلاب ایران در سطح

جنبش‌های ما) بیان کردیم و از طرف دیگر در اطلا

عیه ای در باره وحدت "سازمان پیکار کمونیستی" با

"اتحاد مبارزان کمونیست" گفتیم که نظریات و مبرمجی‌های

این جریان (ا.م.ک) را به امپریالیسم، مرحله انقلاب،

به اقشار و طبقات جامعه و التقاطی و غیر کمونیستی، و خرد

بورژوازی می‌دانیم و البته طولی نکشید که نمونه‌های روشن

این برخوردها در "کمونیست" ارگان این جریان

- بعنوان نمونه ارزیابی این جریان از شورای ملی ما

وقت بعنوان یک جریان بینابینی است. اینکفا زکی تا حال

بهرزوازی در جامعه سرمایه داری وابسته ایران بینابینی

شده "حزب باید جواب بدهد چون "حزب" در جای دیگر

ارگان خود "شورای ملی مقاومت" را نماینده بهرزوازی

میداند. مقاله زیر نشان می‌دهد که چگونه ا.م.ک (سپند)

مفهوم امپریالیسم را تحریف میکند.

"بررسی مسائل انقلاب پرولتری"

دمتر اول نقدی بر نظرات "اتحاد مبارزان کمونیست"

سپند" (این جریان اخیراً با کلمه اعلان حزب کرده‌اند)

چگونه سپند در مفهوم امپریالیسم تحریف میکند؟

جزوه "انقلاب ایران و نقش پرولتاریا (خطوط عمده)

یعنی نخستین سند تئوریک سپند منتشر شده است،

خطوط عمده بسیاری از انحرافات ایدئولوژیک - سیا

سیاسی این جریان را به نمایش می‌گذارد. برای بررسی

نظرات این جریان پیرامون ساخت اقتصاد جامعه ما

نخست این جزوه را بطور اجطالی مورد بررسی قرار مید

همین تا در ادامه کار به سایر جزوات این جریان بر خو

ردنمائیم. خطوط عمده مینویسد: ۱- نفی کامل

دیکتاتوری حاکم در ایران و برقراری حقوق دموکراتیک.

در جامعه ضرورت حیاتی بسبب طبقه کارگر ایران برای

انقلاب سوسیالیستی است. (صفحه ۸) بحث مافعلاب

سرصحت یا نادرستی این حکم نیست. ما در جای

دیگر به نظرات سپند پیرامون مرحله انقلاب و بیشتر

طهای انقلاب سوسیالیستی بر حوررد خواهیم کرد.

(رجوع کنید به بررسی انقلاب پرولتری، جزوه شماره ۲)

بلکه بر سر جنبه اقتصادی مسئله است. سپند در

روشن‌بینی و وظیفه انقلاب دمه کراتیک را نفی کامل دیکتاتوری

طک میدانند و بلافاصله در همانجا می‌فرماید "نفی کامل

دیکتاتوری و برقراری دموکراسی مورد نیاز طبقه کارگر

مستلزم نابودی کامل سلطه امپریالیسم در ایران است.

و همانجا صفحه ۸) بنا برین انقلاب دمه کراتیک برای آنکه

دیکتاتوری حاکم را بطور کامل نفی نماید باید سلطه

امپریالیسم در ایران را کاملاً نابود سازد و بدین تر

تیب پس از پیروزی انقلاب دموکراتیک، صدامپریالیستی جا

معه ای خواهیم داشت که اولاً سوسیالیستی نیست و ثانیاً

سلطه امپریالیسم در آن کاملاً نابود شده است یا بعبار

ت دیگر سرمایه داری "مستقل ملی" در آن برقرار است

تا پرولتاریا بتواند در سایه دموکراسی بهرزوازی که در

چنین جامعه ای برقرار است به بسبب نیروهای خود بر

داخته و تشکل لازم را برای انقلاب پرولتری بدست آورد

یا فعلاً به "انقلاب" بعدی که صرفاً وعده برای آینده‌ها

ی دور است نفی پردازیم و نخستین انقلابی را که سپند

برای ما ترسیم میکند مورد توجه قرار میدهم: این

انقلاب وظیفه دارد که سلطه امپریالیسم را کاملاً نابود کند.

لیکن به علت آنکه انقلابی است، بهرزوازی حق ندارد که کر

بقیه در صفحه ۶

نشان کمونیسم راستین، قطع رابطه با ایورتونیسیم است! (لینن)

ارشیو اتحاد سازجان پیکارگر در راه آزادی طبقه کارگر

یاد رفیق ۰۰۰

طیبدن قلب سرخ یکی از پیکارگران آزادی طبقه کارگرو یکی از فرزندان رنج و زحمت توسطد زخیبان پلید سرمایه با شلیک گلوله ای در سحرگاه ۱۷ دیماه ۶۰ بخاموشی گزاشید . رفیق شهید عزت طبائیان در سال ۱۳۲۶ در اصفهان در یک خانواده زحمتکش متولد شد . او خواهرزاده سید محمد غرضی خائن و زهر نقت رژیم ارتجاعی ضد خلقی جمهوری اسلامی است ، رفیق عزت درست سحرگاه شبی اعدام میشود که محمد غرضی خائن مجلس عروسی اش را با سرمایه ریوده شده از دسترنج زحمتکشان و کارگران مہنمان بر پا میکند . رفیق عزت طبائیان (سپین) در دوران دبیرستان و اوائل دانشگاه تا سال ۱۳۵۴ طرفدار سازمان مجاهدین خلق ایران بود . سال ۱۳۵۴ ایدئولوژی ظفر نمون مارکسیسم-لنینیسم یعنی تنها ایدئولوژی رهائی بخش عصر امپریالیسم را بعد از تخمیر و تحولات دروسی سازمان مجاهدین خلق همچون اکثر اعضا و طرفداران این سازمان با جان و دل پذیرا شد . در سال ۱۳۵۸ بعنوان یک عضو به سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر پیوست . پیکارگر شهید یکی از بنیان گزاران سازمان دانشجویان و دانشآموزان پیکار بود . او در دوران مبارزاتش نقش برجسته و پیشرویی در مبارزه علیه رژیم منفر پهلوی و رژیم خونخوار و ارتجاعی جمهوری اسلامی داشت و هرگز لحظه ای از مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی غفلت نمی فرزند . رفیق مزت در ۲۹ شهریور ۶۰ به جنگال دزخیبان پلید سرمایه میافتد و در زندانهای ننگ ک و قرون وسطائی محمد رضا شاه جمهوری اسلامی بعد از چند ماه شکنجه های فراوان و سبعمانه در سحرگاه ۴ دی ماه سرود خوانان بجوخه اعدام سپرده میشود . و

بدین سان د زخم پلید پیکارگر کمونیست دیگری را از گلستان انقلاب خلقهای ایران ریود و با آتش تیرش طپش قلب سرخ رفیق را که بخاطر رهائی کارگران و رسیدن به سوسیالیسم مصطهید باز داشت . رفیق شهید عزت طبائیان از جمله رفقای پیکارگری بود که با آخرین نفس به پیکار طبقه کارگر و آرمان ظفر نمون خود مارکسیسم-لنینیسم وفادار ماند و با مرگ سرخ اش مانند هزاران کمونیست تا قوس مرگ رژیم سرمایه را نواخت و به تمام مرتجعین نشان داد که هیچ نیروی قادر نخواهد بود با کشتار کمونیستها شر و عشق عظیمی که در قلب سرخ کمونیستها این عاشقان راه رهائی کارگران شعله میکشد خاموش سازد . یادش گرامی باد

نقد بر نظرات ۰۰۰

ی به پایه های نظام سرمایه داری وارد سازد . در واقع این نخستین انقلاب - انقلابی است ضد امپریالیستی تا آنکه پس از پیروزی آن نوبت انقلاب ضد بورژوازی برسد چگونہ است که سهند به مبارزه ضد امپریالیستی و بطریق اولی " به یک انقلاب ضد امپریالیستی " ماهیتی بورژوازی میبخشد ؟ و چرا از نظر سهند مبارزه بر علیه نظام سرمایه داری یک چیز است و مبارزه برای نابودی کامل سلطه امپریالیسم چیز دیگر ؟ چرا سهند به اندازه یک مرحله تاریخی میان این دو مبارزه فاصله میگذارد ؟ سهند برای فرار از این تناقض ویرای فرار از پاسخگویی به سئوالات فوق جوهر سخنان خود را در چند صفحه بعد مرد حمله فرار میدهد " حفظ سرمایه و استقلال از امپریالیسم (این تخیلی ترین ایده ها در عصر امپریالیسم) ۰۰۰۰"

(صفحه ۱۱) و چنین اضافه میکند " بورژوازی ملی و مستقلی هوچ وویی معنی است و تنها بیانگر عدم درک صحیح از سرمایه بعنوان یک رابطه اجتماعی میباشد " (ص ۱۲)

افتخار بر رفقای شهید بیشتری که تا آخرین نفس به پیکار طبقه کارگر وفادار ماندند

## کشورهای . . . .

کشورهای آمریکا لاتین در جستجوی کمک برای پرداخت ۲۲۰ میلیارد دلار بدهی :

" پرداخت این بدهی تحت چنین شرایطی امکان ناپذیر می باشد ."

با این حملات هفته گذشته سفیر سوئولادر " سازمان کشور- های قاره آمریکا " در کنفرانسی که با شرکت ۲۶ کشور از قاره آمریکا و کارآئیس در کاراگاس تشکیل شده بود اوضاع واحوال این کشورها را تشریح کرد .

درست بکمال پیش بود که بانکها و مقامات فرسی با سردیگ ندن جدیدین کشور آمریکا ی لاتین به مرز ورنگسنگی دست به تلاشی دیوانه واری زدند تا از پیش آمدن یک بحران جهانی بپول طلوعگیری کنند . ارمانان بولی جهان از آن زمان تا به حال میلیمی در حدود ۵۵۵ میلیارد دلار به کشورهای برزیل و مکزیک و دیگر کشورهای آمریکای لاتین پرداخته اند تا سهام بنوا سدر از ای اس سلج ۲۷۵ میلیارد دلار بدادند . هی سابت بهره و وامهای قرضی خود را بر بردارد . اما راه- ست این بدهیها همان به رشد مواد داده داد تا به غایب که هفته پیش ۲۶ کشور مرزوار را سبکها حواستار تسهیل شرایط با پرداخت این وام میباشند .

هر روز تعداد بیشتری از کشورهای آمریکای لاتین که به نقد- بنه محتاج هستند در سبقت باقی بدهی فرو میروند . کشورهای این منطقه در پایان سال قبل ۳۰۰ میلیارد دلار به بانکها- ی خارجی مقروض بودند . از آن زمان تا حال وامهای جدید بدهیهایی که مومدان سپری شده حدود ۲۰ میلیون دلار به رقم قبلی اضافه کرده - برای سوره و سرولاشنا در ۶ ماه گذشته مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار سابت بهره پرداخت شده به بدهیهای خود اضافه نموده . از اول سال ۱۹۸۲ تا به حال حدود ۱۲ کشور آمریکای لاتین حواستار امتیازات جدید و به تعویق انداختن مومد پرداختهای قدیمی نده اند . این تسهیل کشورها به علت ندانستن درآمد کافی قادر به پرداخت بدهیهای خویش نمیباشند . صادرات منطقه در سال گذشته ، هرمان با پانسی آمدن قیمت کالاها در بازار- های کساد جهانی ، ۱۰٪ تنزل کرده و به مبلغ ۹۵ میلیارد دلار کاهش یافته و این درست برخلاف دهه هفتاد میباشند که صادرات کشورهای آمریکای لاتین ۱۹٪ افزا- پیش یافته بود . سرعت تنزل کالاها و صادراتی به عادی بود که کشورهای منطقه هم اکنون قیمتی معادل به برابر صادرات سالانه خویش ، به بانکها و سبکها میوام دهنده خارجی مقروض میباشند . اگرچه بیشتر ماحیظران برای سبقت بده بودند که نمایندگان حاضر در کنفرانس کارآگاس دست به

آری سهند چنین بی پروا به کسانی که نفی سلطه امپریالیسم را با وجود حفظ سرمایه ممکن میدانند حمله میکند ولی باز هم چند سطر پائین تر مینویسد : " حل مسئله

د مکرسی نمود پیش شرط بسیج مستقل و وسیع طبقه کارگر برای سوسیالیسم است " (ص ۱۲) " از سوی دیگر همین رابطه امپریالیستی حاکم (کدام ؟) شرایط عینی وجود طبقات انقلابی دیگری را فراهم ساخته است . ( دهقانان خرد بورژوازی در حال تجزیه شهری ۰۰۰ ) که در سرنگونی امپریالیسم و تمامی استعمار شدید و دیکتاتوری خشن ذینفع هستند ( ص ۱۲ ) و بدین ترتیب بار دیگر سرنگونی امپریالیسم و تمامی استعمار شدید و دیکتاتوری خشن آن را بر عهده انقلاب دموکراتیک که یک انقلاب " هیئت بورژوازی است و نمی تواند به پایه های نظام سرمایه داری گزندی وارد سازد ) میسپارد و با باز هم در چند سطر بعدی مینویسد " شکست امپریالیسم در ایران شرایط لازم حرکت نهائی طبقه کارگر ایران به سوی سوسیالیسم را بوجود میآورد " " حذف ایران از حلقه جهانی استعمار سرمایه داری ( انحصاری ) ( ص ۱۵ ) " ماهیت ضد امپریالیستی انقلاب " مکرراتیک ایران ( !!! ) اگر سری به سایر نوشته های سهند هم بزنیم باز هم ، مغلطه پردازیها و التعلل گویی به چشم میخورد و سهند همواره میگوید موضح خود را در میان ، دو صدلی از دست ندهد . بدون شك برای آنکه بدانیم چرا سهند مبارزه ضد بورژوازی را از مبارزه ضد امپریالیستی در يك کشور سرمایه داری وابسته جدا میکند ، باید قبل از هر چیز بدانیم که سهند از امپریالیسم و سلطه امپریالیسم چه درکی دارد ؟ و چون و چرا ی منظورش از سرمایه داری وابسته و سرمایه داری در کشور تحت سلطه امپریالیسم چیست ؟ ( ادامه دارد )

تنگنیل پک " کارتل کشورهای بدهکار " خواهدزد که سوبه خود سگر هرگونه نسیهات مالی خارجی میند . ولی به قول ویرمائی برزیل " مگر تنگیل چین کارتلی در این کفراس بگلی کارگذاشته ند " .

نمایندگان حاضر حتی اشاره ای هم به احتمال ندادن بد- هیبای خود نکردند . زیرا آنها بجویی به این مسئله آگاهند که چین امری به قیمت قطع وامهای جدید از طرف بانکها وینگا هیای وام دهی سحر خواهدند .

به قول وپلیهام کلاسی یکی از مقامات اسپیننوی اقتصادی هبانی " هیچکدام از کشورهای مقروض در پی این نخواست بود که با ملقم نند به کارتلی که در پی رد کردن فرمایش فلی میماند . اعتبار جدید ساله خود را به محاطه میباید- ارد ."

در هر صورت نمایندگان حاضر در کفراس ایران گهای وام دهده . خویش گلابهای ربای دانشند . مهمترین نگرانی آنها ابرج سپره و مخارج اضافی بود که بانکهای آمر- بگانی به ازای وامهای فنی که میوه بدی داحت آنها به نحو-

بق افتاده و با وامهای جدید از آنها مطالبه میکند . سینتر نمایندگان به این نکته اشاره میکردند که شرکتیهای آمریکایی مانند اسپنترنا سونال هاروستر که از طرف اقتصاد- دی وضع نامی ماسی دارند و نخواستند در مقایسه با کشورهای لاتین از امتیازات آسانتری برخوردار شوند . یکی از تحقیقات ارائه شده به کفراس حاوی این مطلب بود که کشورهای فرانس گنده آمریکای لاتین در ازای وامهای جدید خود در حدود ۳۰٪ اضافه سرج سپره در ایالات متحده باید سپردند و این به این معنی میماند که نرخ سپره برای کتو- رهای لاتین حدود ۱۴٪ و برای شرکتیهای آمریکایی مانند اسپنترنا سونال هاروستر " پائین ۱۲٪ می باشد .

بعضی از متحصمان آمریکایی با این طرکه با گهای آمریکایی- ئی بول بهینتری از متفریان آمریکای لاتین خود مطالبه میکنند موافقت و سراین نظرند که این کار سبب وخیم نند بحران پولی هبانی میشود .

را سرت سولمان یکی از متحصمان امور مالی معتقد است که اگر چه بانکها ممکن است سراین نظریا نند که دادن قرض به این کشورها ساریک زیادی همراه است ولی یک نکته راهم باید در نظر داشته باشند که با این کار آنها ضابط را برای این کشورها آسانچه که هست سخت تر میکنند ."

سینترهای گهای آمریکایی به استثناء " بانک آمریکا " و " وچس سینت " از آمدن به این کفراس خودداری کرد- بد سراه قول یک صاحب نظر مالی " آنها از این واهه دانشند که طمن کفراس مد آمریکایی خواهد بود و این سرددی است که در حال حاضر آنها به آن احتیاجی ندارند ."

اما بانکداران آمریکایی با دقت جریانات کفراس را دنبال میکردند زیرا آنها حدود ۹۶ میلیارد دلار در این منطقه سرمایه گذاری کرده اند که احتمال بازگرفتن این بدهیها زیاد سنی باشد . مقدار قرضهای خارجی " سینی کور " و " جیس سینت " که با مشکل روبرو هستند در عرض سال گذشته به دو برابر افزایش یافته .

سنگوی جیس سینت سراین مفیده است که تا ۳۰ جون سال جاری ۹۷۶ میلیون دلار از وامهای خارجی " بی حاصل " می- باشند و این مبلغ در مقایسه با ۲۲۶ میلیون دلاری است که در سال گذشته در همین تاریخ ثبت شده .

قرص کنندگان این نوع وامها حداقل تا مدت محدودی از بر- داحت آنها خودداری کرده اند . " سینی کور " نیز اعلام کرده است که رقم این نوع وامها تا ۳۰ جون سال جاری

۰/۰ ۱۲۳ افزایش یافته است که معادل ۱۰۶ بیلین دلار میباشد .

حدود ۰/۰۹۰ از ۳۰۰ بیلین دلار قرضهای هبانی شامل پنج کشور برزیل ( ۹۰ بیلین دلاری ) مکزیک ( ۸۵ بیلین دلاری ) آرژانتین ( ۴۰ بیلین دلاری ) و ونزوئلا ( ۱۸/۴ بیلین دلاری ) میشود . نمایندگان شرکت

کننده در کفراس کاراکاس به یک زمینه از موافقتیایی رسیده اند که یکی از آنها پایین آوردن نرخ سپره بود . سران کشورهای آمریکای لاتین در کفراسی که در او اهرمال جاری در اکوادور انجام خواهد گرفت در پی یافتن راه حل های سیا- سی خواهد بود که خواستهای آنها را تا سنی کند به احتمال زیاد این . کفراس سیرمانند کفراس کاراکاس طبع اعلام بانکداران با نه خود را حفظ خواهد نمود .

ترجمه و خلاصه شده از محله " تاپیر " ( روزنامه اول ژوئیه ۲ )



خبیج جنبش انقلابی بدون شرکت زنان به پیروزی نخواهد رسید. لینن



حماسه پیکارگر شهید رفیق کریم در سیهده دم اعدام

پیکارگر شهید کریم تاریخ شهادت ۱۹/۱۰/۶۰

از رفا، تشکیلات تبریز، دانشجوی سال آخر پزشکی تبریز.

به سازمان، به سابقه کارگر و خاکی‌های قهرمان ایران:

وصیت‌نامه‌ام را با چند بیت از سرود سازمانی شروع میکنم (یاد پاران)

"گشته بر ما اکنون بجرم ما دارد از پیک کارگر نشان  
یاد پاران کیم زنده در جان توده‌ها را دهیم سازمان  
یک‌صف و یک‌صدا بزرگ با کارگر تکیه بر بازوان"

حدود شش‌ماه و بیست روز از بازداشتم میگذرد. این اولین نامه‌ای است که من نویسم. در این مدت هر چند کوتاه

سیر حاد مبارزه طبقاتی در کشورمان به شدیدترین وجهی راه خود را می‌پیماید. جنبش‌اعتلا باینده توده‌ها، نظام حاکم

را مورد هدف قرار داده است. گراپشات و انحرافات خطرناکی جنبش‌توده‌ها را مورد محاصره قرار داده است و بهم

آن مهروند که اگر با این انحرافات برخورد اصولی و بی‌گراپس نشود به انحرافات جنبش‌توده‌های منجر میشود. مسئله‌ای که

در شرایط فعلی نقش‌عمده دارد و قابل برخورد شدید است و در انقلاب جای دارد، مجاهدین خلق است. مجاهدین

خلق بعنوان یک نیروی بوزوا دمکرات در اتخان سیاست و برنامه و تاکتیک دارای اشتباهات فراوان و انحرافات عمیقی

هستند. همسویی و اتحاد عمل مشخص آنها با جناح بنی‌صدر (لیبرالها) و تشکیل شورای ملی مقاومت خندوشی

کردن آن‌ها صرف انقلاب و ضد انقلاب است. ترور سلعانه بعنوان یک منشی جدا از توده و ماجراجویانه لطافت فراوانی

بر جنبش انقلابی و کمونیستی وارد کرده و مسائل و مشکلات

ببخش، را به سازمانهای انقلابی و کمونیستی تحمیل کرده است در حالیکه (آنها) آمادگی سازمانی عملی لازم را نداشته‌اند

بنظر من منشی چریکی بعنوان یک منشی جدا از توده گسسه توان سازماندهی جنبش‌توده‌ای را ندارد هنوز روشکست

نشده، بلکه با شدت هر چه تاملتر سخت‌جانی خود را نشان میدهد. به علت کم‌بها دادن به مبارزه اپدولوزیک

و عدم برخورد قاطع و مسرعه به مواضع سیاسی - اپدولوزیک مجاهدین و انشای مواضع متزلزل و بینابینی آنها و نبود یک

تشکل مملکتی و دارای پایگاه توده‌ای و کارگری، این بوزوازی خواهد بود که آنها را بدنبال خود خواهد کشید.

همانطور که عملاً در واقعیت مبارزه طبقاتی شاهد این (امر) هستیم. در راپده با شرایط، ترور و خفقان حاکم بر جامعه و

حمله دامنشانه رژیم ارتجاعی به نیروهای کمونیست و انقلابی ضرورت برخورد فعال و همه‌جانبه با این تهاجم و جدوگیری

از ضریبات بیشتر به تشکیلات و اتخان شیوه و تاکتیک‌های مناسب بدون اینکه ذره‌ای در رنگ در ایفای وظایف انقلابی و کمونیستی

سازمان جایز باشد از مهمترین وظایف سازمان در برخورد به مسئله تشکیلات میباشد. بخاطر حاکمیت و سال و نیم جو

لیبرالی در سطح جامعه و وجود لیبرالیسم تشکیلاتی و استقبال و روی‌آوری فراوان روشنفکران به مارکسیسم - لنینیسم،

در صفوف تشکیلات، عناصر لیبرال و روشنفکر متزلزل وجود دارند که در شرایط فعلی با توجه به هجوم سلعانه ارتجاع بسسه

نیروهای انقلابی و کمونیست (بوزوا سازمان) تزلزل‌سوزلات روشنفکرانه آنها تعمیق یافته و در مواردی به خیانت در می‌انگیزند

و رهنمود داهمانه لنین رهبر پرولتاریای جهان در مورد این مسئله باید چراغ راه ما در برخورد به این عناصر باشد.

در صورت مشاهده چنین وضعی به نسبت و میزان این متزلزل

تبریز ۱۰ مهر ۶۰

**جنگ ارتجاعی میان سرمایه‌داران دو کشور، برای توده‌های ایران و عراق فقط فلاتک و بدبختی ببار آورده است**

کردند . حکم ما از قبل تعیین شده است و ما نیز به همد  
خونین خود که همانا مبارزه بی‌امان با ارتجاع حاکم است و  
حان باختن در راه منافع طبقه کارگر بلشویک‌وار به استقبال  
مرگ خواهیم رفت و کاروان جنبش انقلابی همچنان پرتوان  
و برخوردار به راه خود تا قله پیروزی ( جمهوری دموکراتیک  
خلق ، سوسیالیسم ، کمونیسم ) ادامه خواهد داد .

به مادرم که در بزرگ کردن من دچار زحمت فراوان شده  
است درود می‌فرستم و از او می‌خواهم که همه فرزندان انقلابی  
و کمونیست شهید را فرزندان خود بداند و به تمام فامیل و  
آشنایان سلام رساند . و امیدوارم که راه ما را ادامه دهند .

— درود بر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه  
کارگر !

— مرگ، بر ارتجاع و امپریالیسم !

— زنده‌ها، سوسیالیسم و کمونیسم !

پیکارگر کمونیست کریم ۱۷ / ۵ / ۶۰

حماسه ...  
سیاسی - ایدئولوژیک ، باید افراد تصفیه شوند و از مسدود  
تشنگی‌های اخراج صورت گیرد . شرایط فعلی حاکم بر جامعه  
محک خوبی برای آزمایش و توانمندی ایدئولوژیک رفقای تشکیلات  
میباشد . بنظر در شرایط فعلی کار سیاسی - انقلابی همده  
است و باید از هرگونه حرکت چپروانه و زودرس و روی دیگر  
آن ، راستروانه و عقب ماندن اجتناب نمود ، ولی در بعضی  
مناطق مانند گیلان و مازندران که توده‌ها و زحمتکشان از توهم  
کمتری نسبت به رژیم برخوردارند ، میتوان در تدارک عملی  
سازماندهی جنبش توده‌های مسلحانه اقدام نمود و به علت رشد  
ناموزون انقلاب در کشور ما باید با هر منطقه برخورد مشخصی  
نمود . وجود جنبش‌های توده‌ای در مناطق مختلف  
و سازماندهی آنها نیروهای رژیم را بخش کرده و از متمرکز شدن  
نیروهای آن برای ضربه زدن به جنبش توده‌ای و سازماندهی  
انقلابی م - ل جلوگیری خواهد کرد . توجه به جنبش طبقه  
کارگر و دادن رهنمود لازم به ( آن ) از مسائل کلیدی برای  
تعیین تکلیف نهایی با قدرت حاکم میباشد .  
بهر آن به مسئله دادگاه خودمان :

دینت همراه رفقا ( هشت رفیق و یک دوست مجاهد ) ما  
را به دادگاه خواستند و دادگاه‌های یک دقیقه‌ای و قسرون  
وسطائی ، به علت بی‌وقت بودن و اشتغال بیش از حد  
بیدادگاهها ، چهار نفر بی‌سوی جلا رفتند و بعد از چند  
دقیقه برگشتند . موسوی جلا به همه آنها محارب گفته بود و  
در صورت عدم همکاری با آنها ، اعدام را مطرح کرده بود .  
شب برعکس بود ، رفقا مرگ، را به بازی گرفتند و با روحیه‌ای  
ناداب و رزمنده در انتظار بودند . مبارزات توده‌ها و  
مقاومت آنها در برابر ارتجاع حاکم روحیه تمام رفقا را بالا برده  
اشت . کار بجائی رسیده بود که رفقای کم تجربه به رفقای دیگر  
روحیه میدادند . در وقت بود ، همراه رفقا به بند برمی‌گشتیم  
در حالیکه چهار نفر دادگاهی شده و ۵ نفر را به فردا موکول



آرشیو پیکارگر کمونیست کریم  
پرویز باد جنبش انقلابی خلق کرد

کنندگان کوچک) که در کنار پرولتاریا قرار دارد در مبارزه ای علیه بورژوازی فقط تا حدی انقلابی است و در واقع فقط وقتی انقلابی خواهد شد که «در رابطه با گذارن به پرولتاریا» = موضع پرولتاریا را اتخاذ نماید = (مانیفست کمونیست) =

(لنین - ارزیابی هم‌نویس دوم پلخانوف برای  
برنامه حزب)

مناظره که در نقل قولهای متعدد یاد شده دیده می‌شود لنین با تکیه به «مانیفست» چنین جمع بندی می‌کند که :

یکم : باید به نحو مثبتی از عملت محافظه کارانه و حتی ارتجاعی خرده بورژوازی صحبت کرد و بنحو منوطی از عملت انقلابی آن سخن به میان آورد.

دوم : عملت محافظه کارانه خرده بورژوازی با این مفهوم است که اقتار خرده بورژوازی طرفدار حفظ بنیادهای سیستم اقتصادی موجود میباشد.

سوم : مارکستها عملت انقلابی منوط خرده بورژوازی را بدین صورت بهمان می‌کنند که از زاویه منافع طبقاتی پرولتاریا احقای خواستهای خرده بورژوازی را - تا آنجا که این خواستها در خدمت رشد مبارزه طبقاتی پرولتاریاست - در برنامه پرولتاریا اعلام می‌دارند. مبار انقلابی بودن خرده بورژوازی برای مارکستها بذیرش برنامه پرولتاریاست.

چهارم : خرده بورژوازی فقط تا وقتی انقلابی است و در واقع وقتی انقلابی خواهد شد که برنامه پرولتاریا را بپذیرد.

پنجم : بتائسلی که اقتار خرده بورژوازی در بذیرش برنامه پرولتاریا از خود بروز می‌دهند به تناسب موقعیت اقتصادی - طبقاتی شان در ارتباط با استثمار سرمایه از کار در ارتباط با سازره طبقاتی پرولتاریا و بورژوازی میباعد.

ششم : از این لحاظ اقتار تحتانی خرده بورژوازی که در جامعه سرمایه داری دائماً در معرض خطر بهرت عفن به مفوق پرولتاریا قرار دارند به تائسلی بذیرش بدر اصولی برنامه.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم ملت‌هاست

از شبکه استیلا بیژان، بنکار، در راه از ادبی، شبکه که کر

را دارا میباشد. چراکه در "انامه‌نوی علییه سرمایه‌داران با اعلان جنگ علیه سرمایه‌داری مهتواتد متحد برولنارها باشند. به عبارت دیگر این اقطار میتوانند

برنامه حداکثر برولنارها را بپذیرند تا با اعتماد سوسیالیسم همراه برولنارها بمانند. البته شرطی که موضع خود را ترک گفته و موضع برولنارها را بپذیرند. یعنی در طی یک دوره برولنارها چون از منافع آنی خود (به مثابه خرده‌بورژوازی) دست برداشته و از منافع آنی خود..... دفاع نمایند.

هفتم: ما مارکسیستها "هر قدر نسبت به تولیدکننده کوچک (مثلا نسبت به معانان) در بحثی عملی برنامه‌مان بیشتر ابراز "لطف" کنیم همان اندازه باید در بحث اصولی برنامه در مقابل این عناصر غیر قابل اعتماد و دوروی اجتماع..... سخت‌گیرتر باشیم".

هفتم: شرط انقلابی بودن خرده‌بورژوازی اینست که "موضع خود را ترک کند تا خود را در موضع برولنارها قرار دهد". ما از همه میخواهیم (و مجبور میکنیم) که موضع خود را ترک کنند و موضع ما را بپذیرند. ولی نه برعکس. ما موضع خودمان را ترک نمیکنیم.  
نهم: .....

از گفته "مانیفست" و بحث‌لنین چه درسی میگیریم؟ روشن است که گفتار "مانیفست" در مورد خرده‌بورژوازی جامعه سرمایه‌داری است که مستقیماً در مرحله انقلاب سوسیالیستی قرار دارد. بحث‌لنین نیز - بطور منحنی نکات ششم و هفتم - در مورد رابطه تولیدکنندگان کوچک با برنامه حداکثر برولنارهاست. اما نتیجه‌ای که برای موضوع مورد بحث ما از این نقل قول‌های مارکسیستی قابل استفاده است مروش بر - خورد این بزرگان مارکسیسم به خرده‌بورژوازی است. این گفته‌ها نبوده بر خوردی را ارائه میدهد که بوسیله آن میتوانیم در هر مرحله‌ای از انقلاب همه خرده‌بورژوازی بر خورد نشانیم. به عبارت دیگر با استفاده از شیوه برخورد "مانیفست" و لنین به اقطار تحقانی خرده‌بورژوازی در رابطه با برنامه حداکثر برولنارها متبوه

کاروان سرخ صدها شهید کمونیست و انقلابی، ناقوس

مرکز رژیم را می‌نوازد

برخورد مارکسیستی به کل خرده‌سوزواری در رابطه با برنامه حداقل پرولتاریا -  
روشن می‌شود. چیزی که در این بخش از نوشته کوشش شده است تا بکار گرفته شده و  
بیلور همین در انقلاب دمکراتیک نیز منبذ واقع افتد - بسور مثال اگر بخواهیم این  
شیوه برخورد را در مورد دهقانان در انقلاب دمکراتیک روسیه بکار ببریم می‌آید

بگویم : دهقانان روسیه در مبارزه علیه نزارسم حطت انقلاب داشته و به عبارت دیگر  
بناسیل پذیرش برنامه حداقل پرولتاریا را دارا بودند. اینان انقلابی ناپه‌گیر با  
دمکراتیهای متزلزلی هستند که در مرحله انقلاب دمکراتیک دارای تمایلات انقلابی-دمکراتیک  
می‌باشند. ولی هرگاه مبارزه‌شان نه در چهارچوب میله که در نفی برنامه حداقل پرولتاریا  
باشد، این مبارزه، مبارزه‌ای ضدانقلابی ارزیابی می‌گردد. به این علت دهقانان در انقلاب  
دمکراتیک روسیه حطت انقلابی مفروضه داشته و باید از آنان حمایت مفروضه کرد.

#### ۲- نقش دوران در رابطه با مفروضه "خرده‌سوزواری"

مارکسیستها بکارگیری ماتریالیسم تاریخی در برخورد به پدیده‌ها و اجناسی تأیید شده  
بصورت یک مسئله - رد و محروا بلکه در شرایط تاریخی مشخص مد نظر دارند تا این شیوه‌ای است  
که مارکسیستها از جمله در برخورد به طبقات اجناسی بکار می‌بینند. تا آنجا که به طبقات دوران  
سرمایه‌داری مربوط می‌شود برخورد به این طبقات در چهارچوب شرایط تاریخی - سرمایه‌داری  
معنا و مفهوم دارد. یعنی برای اینکه مارکسیستها به یک طبقه اجناسی در یک جامعه مشخص  
برخورد کنند باز خود می‌پرسند که این جامعه در چه دوران تاریخی - سرمایه‌داری بسر می‌برد ؟  
بکارگیری چنین شیوه‌ای است که در برخورد به خرده‌سوزواری نیز باید دوران‌های تاریخی  
سرمایه‌داری را توضیح داده و در آن چهارچوب موقعیت خرده‌سوزواری را مورد بررسی قرار داد.  
میدانیم که مارکسیستها عصر سرمایه‌داری را سه دوران تقسیم می‌کنند : دوران اول (۱۸۷۱-۱۸۸۹)  
دوران دوم (۱۸۷۱-۱۹۱۴) و دوران سوم (از ۱۹۱۷-۱۹۱۴ بپیمد) . دوران اول عصر سرمایه‌داری رقابت  
آزاد، دوران دوم عصر سرمایه‌داری انحصاری (امپریالیسم) و دوران دم گذار از عصر اول -  
عصر سوم است .

در دوران اول موزوزاری مترقی است زیرا سرمایه‌داری در حال ضی کردن پیرویه رشد خویش در مقابل نمایندگان و مافیل آنست. اما در دوران سوم سرمایه‌داری به احتضار و گد پدگی رسیده و پیرویه تکاملی آن به پایان رسیده و اینک خود مهمترین مانع و سد رشد تکامل تاریخی است. در دوران اول سرمایه‌داری برای تشکیل کردن مناسبات تولید از خود علیه فئودالیسم مبارزه میکند یعنی در راستای تکامل تاریخی حوامه قدم برمی‌دارد. حال آنکه در دوران سوم سرمایه‌داری تکامل یافته ارتجاعی است زیرا در دفاع از مناسبات سرمایه‌داری با فشاری کرده و سد و مانع برای متخفق شدن سوسیالیسم ایجاد میکند.

اصولاً رشد نیروها، مولده در هر دورانی، در ارتجاع یا نسویه تولید معنا و مفهوم پیدا میکند و در این رابطه است که میتوان به ماهیت مترقی یا ارتجاعی بودن یک طبقه سی برد. در دوران اول که دوران رشد نیروها، مولده سرمایه‌داری است موزوزاری: طبقات مترقی بشمار می‌آید ولی در دوران سوم که دوران رشد نیروها، مولده سوسیالیستی است، دیگر موزوزاری: طبقات مترقی نبوده و ارتجاعی است. در این دوران تنها طبقه مترقی پرولتاریاست و در واقع برای اینکه مترقی بودن یا ارتجاعی بودن یک طبقه را در یک دوران تشخیص دهیم باید از خود ببرسیم که

این طبقه در واقع مدافع چه نسویه تولیدی او یا ورگلی چه فوالتسون اقتصاد؛ - اجتماعی او و مخالف چه نسویه تولید دیگری است؟ اما برای تشخیص انقلابی یا ضد انقلابی بودن یک طبقه در یک دوران مشخص باید دید که این طبقه چه نسویه مبارزه؛ در مقابل مناسباتی که مخالف آنست مبارز میگردد. آیا طالب انقلاب است یا مدافع ساز.؟ همچنین باید دید که از چه طریق مناسبات مذکور خود را مستقر میسازد؟ از طریق، روش یا انقلاب؟ در پاسخ به این سؤالات است که مشاهده میکنیم در دورانهای اول و دوم موزوزاری مترقی میتواند هم انقلابی و هم ضد انقلابی باشد. علاوه موزوزاری از لحاظ دشمنی آن با پرولتاریا و سوسیالیسم ارتجاعی است. اما در دورانی که مبارزه علیه فئودالیسم مرکز ثقل مبارزه طبقه‌ای است و باید این مانع جویده و کوه را از پیش پای برداشت جنبه مترقی موزوزاری غالب است و اگر در سی سازش نتواند حتی انقلابی است.

در مورد جرد موزوزاری نیز باید دید که جرد موزوزاری در هر دور تاریخی مدافع چه نسویه تولیدی است؟ در جامعه سرمایه‌داری مشخصی از جرد موزوزاری خواستار بارگشت مناسبات مانع

سرمایه‌داری بوده و بنابراین ارتجاعی است. اما در مورد آن بخش از خرد سوزوزارز که خواستار حفظ مناسبات سرمایه‌داری است، باید گفت که تا قبل از ظهور امپریالیسم و ارتجاعی شدن سرمایه‌داری باز آنجا که دوران دوران رشد آزاد سرمایه است مابین بخش از خرد سوزوزاری مترقی است. البته این بخش از خرد سوزوزارز در عین حال از لحاظ ذهنی متقابل به بین‌گیری از سرمایه‌داری بوده و گرفتار انجمنی‌ها و ارتجاعی است، اما عملاً بصورتی منفردالی روز آورده و از اینرو در خدمت رشد آزاد سرمایه که در جهت ارتقاء و تکامل تاریخ - جوامع نیز هست قرار می‌گیرد. بنابراین مابین بخش از خرد سوزوزارز در دورانی که دوران مبارزه با منفردالی است مترقی می‌باشد. اما برای تشخیص انقلابی یا ضد انقلابی بودن آن، باید دید که چه نیروی مبارزه‌ای علیه منفردالیسم را بر می‌گزیند. آیا طالب مبارزه قاطع و قطعی ضد منفردالی است یا راه را از آنها را می‌بندد. می‌کند؟ یا نه؟ پس باید دید که از چه طریقی خواهان - نبودن مناسبات کهن و استقرار نیروی تولید نوین است؟ رفم یا انقلاب؟

به عنوان نمونه - جوامعی را در نظر بگیریم که در آن سرمایه‌داری رشد یافته است یعنی سوزوزارز در مبارزه ضد منفردالی منفش مترقی خویش را به پایان رسانده است.

در مورد این جوامع "مانیفست کمونیست" معتقد است که به غیر از هرولتاریا تمام نیفات دیگر بر اثر تکامل صنایع بزرگ راه انحطاط و زوال می‌بینند و حال آنکه هرولتاریا خسود نشود و محول صنایع بزرگ است. "نقدار" مانیفست" در این جوامع که در آن مبارزه طبقاتی به لحاظ قطعی تردید مشهود تنها هرولتاریا یا خنثه و انما انقلابی است. در مورد خرد سوزوزارز "نقدار" مانیفست" اینست که بخشهایی از خرد سوزوزارز که در معرض این خطرند که به صفوف هرولتاریا رانده شوند تنها وقتی انقلابی هستند و تا آن حد انقلابی هستند که موضع هرولتاریا را اتخاذ کنند. با عبارت دیگر برنامه سوسیالیستی هرولتاریا را می‌پذیرند.

حال نمونه‌های دیگر را در نظر بگیریم و آن عبارتست از انقلاب دمکراتیک روسیه که در دوران دوم سرمایه‌داری قرار داشت. در این انقلاب سوزوزارز لیبرال ضد انقلابی خواهان رشد سرمایه‌داری بوده و به این علت مترقی بود<sup>(۱)</sup> در آن زمان برای برچیدن قدرت حاکمه منفردالی و در برنامه ارائه گردید: یکی برنامه هرولتاریا بود که محتوای در اتحاد با دهقانان و با منفسرد ساختن سوزوزارز لیبرال بدست به انقلاب سوزوزارز - دمکراتیک بوده و با استقرار دیکتاتور: انقلابی دمکراتیک: کارگران و دهقانان زمین را برای گذار به سوسیالیسم فراهم آورد. (برای این کاران می‌بایست تحولات سوزوزارز - دمکراتیکی وسیله دیکتاتور: مذکور صورت پذیرد تا منفسرد راه برای رشد سرمایه باز گذاشته شود) اسناد سازمان پیکارگر در راه آزادی طبقه کارگر

هیچ جنبشی انقلابی بدون  
شوکت زنان  
به پیروزی  
نمی رسد

"نبن"



۱۷ اسفند  
(۸ مارس)

روز جهانی  
زن  
نظام سرمایه داری

گرامی باد ۱۷ اسفند (۸ مارس) روز  
همبستگی بین المللی زنان در سراسر جهان  
روز جهانی زنان کارگر بخاطر اعتراض به  
ستم دوگانه زنان زحمتکش (یک ستم بخاطر  
بخاطر زحمتکش بودن و ستم دیگر بخاطر  
زن بودن) از سوی بین الملل دوم کارگرا  
ن انتخاب گردید. علت انتخاب این روز  
بخاطر تظاهرات راهپیمایی خونین زنان  
کارگر در آمریکا در هشتم مارس ۱۹۰۷  
میباشد. زنان کارگر در این روز بخاطر  
احقاق حقوق مساوی با مردان، کار مساوی  
با مزد مساوی، بدست آمدن حق سیاسی  
انتخاب کردن و انتخاب شدن و... دست  
به راهپیمایی زدند. این تظاهرات بخون  
کشیده شد و مبارزات زنان کارگر وحشیانه  
سرکوب گردید. کمونیستها و انقلابیون  
سراسر جهان از آن پس به احترام پیکار  
زنان کارگر در سراسر جهان این روز را  
جشن میگیرند.

آدرس پستی پیکارگر

POSTLAGERKARTE

Nr. 010968 B

1000 BERLIN 120

ترجمه و نگاره ای-تد لیزن، هل

در نقدینا  
فلسفه حقوق هگل  
در نقد اقتصاد سیاسی سر سهر



دفتر ۱۱

انتشارات پیکارگر

ترجمه و نگاره ای-تد لیزن، هل

به زیر پرچمی دروغین



دفتر ۱۰

انتشارات پیکارگر

به روز باد همبستگی خانگی های جهان  
برای نابودی امپریالیسم جهانی